

مائو تسه دون

انقلاب را بسرانجام برسانیم



مائو تسه دون

انقلاب را بسرانجام برسانیم

اداره نشریات زبانهای خارجی

پکن ۱۹۶۹

چاپ اول ۱۹۶۶
چاپ دوم (با تجدید نظر) ۱۹۶۹

توضیح ناشر

ترجمه فارسی « انقلاب را بسرانجام
برسانیم » منطبق است با اولین چاپ
چینی از جلد چهارم « منتخب آثار مائو
تسه دون » که از طرف اداره نشریات
« مردم » در سپتامبر سال ۱۹۶۰ در
پکن منتشر شده است .

طبع و نشر جمهوری توده‌ای چین

اثر حاضر پیمایی است که رفیق مائو تسه
دون در ۳۰ دسامبر ۱۹۴۸ بمناسبت فرا رسیدن
سال نو ۱۹۴۹ برای خبرگزاری سین هوا
نوشته است .

کمیسیون کمیته مرکزی حزب
کمونیزست چین برای طبع و نشر
منتخب آثار مائو تسه دون

www.KetabFarsi.com

اکنون حتی دشمنان ما هم در اینکه خلق
چین در جنگ کبیر آزادیبخش به پیروزی
نهایی خواهد رسید ، شك و تردیدی ندارند .
جنگ جریان پر فراز و نشیبی را پیموده است .
هنگامیکه دولت ارتجاعی گومیندان جنگ ضد
انقلابی را بر پا کرد ، ارتشی تقریباً سه برابر
و نیم ارتش آزادیبخش توده‌ای تحت فرمان
داشت ؛ تجهیزات نظامی و نیروی انسانی و
ذخایر مادی ارتش آن بر ارتش آزادیبخش
توده‌ای بمراتب می‌چرید ؛ این ارتش صنایع
و وسایل حمل و نقل مدرنی در اختیار داشت که
ارتش آزادیبخش توده‌ای فاقد همه آنها بود و
علاوه بر این ، کمکهای نظامی و اقتصادی

هنگفتی از امپریالیسم آمریکا دریافت میکرد
و از مدت‌ها پیش خود را برای جنگ آماده کرده
بود . بدینجهت در اولین سال جنگ (از ژوئیه
سال ۱۹۴۶ تا ژوئن سال ۱۹۴۷) گومیندان
در حال تعرض و ارتش آزادیبخش توده‌ای
در حال دفاع بود . گومیندان در سال ۱۹۴۶
مناطق زیر را بتصرف خود درآورد : در شمال
شرقی شهرهای شن یان ، سی پین ، چان چون ،
جی لین ، ان دون و شهرهای دیگر و بخش
اعظم استانهای لیائو نین ، لیائو پی و ان
دون (۱) ؛ در جنوب رودخانه زرد شهرهای حوای
یین و حه زه و غیره و بخش اعظم مناطق
آزاد شده حو به - حه نان - ان هوی ، جیان
سو - ان هوی ، حه نان - ان هوی - جیان سو و
جنوب غربی شان دون ؛ در شمال دیوار بزرگ
شهرهای چن ده ، جی نین ، جان جیاکو و

شهرهای دیگر و بخش اعظم استانهای ژه هه ،
سوی یوان و چاهار (۲) . گومیندان سرمست از
باده پیروزی پایکوبان چون قهرمانی فاتح
بخود میباید . ارتش آزادیبخش توده‌ای با
اتخاذ استراتژی صحیحی که هدف عمده‌اش
بعوض حفظ و نگهداری مناطق تصرفی نابودی
قوای مؤثر گومیندان بود ، همه ماهه بطور
متوسط تقریباً هشت تیپ (برابر با هشت لشکر
کنونی) از ارتش منظم گومیندان را نابود
ساخت . در نتیجه ، گومیندان مجبور گردید که
از نقشه حمله عمومی خود صرف نظر کند ، و
در نیمه اول سال ۱۹۴۷ ناگزیر گشت هدف
اصلی حمله خود را بدو جناح جبهه جنوبی یعنی
شان دون و شمال شنسی محدود سازد . در سال
دوم (از ژوئیه ۱۹۴۷ تا ژوئن ۱۹۴۸) تغییری
ریشه‌ای در جریان جنگ پدید آمد . ارتش

آزادیبخش توده‌ای پس از نابود ساختن تعداد
کثیری از افراد ارتش منظم گومیندان ، در
جبهه‌های جنوبی و شمالی از دفاع به تعرض
پرداخت ، در صورتیکه گومیندان مجبور شد از
حمله بدفاع روی آورد . ارتش آزادیبخش توده‌ای
نه فقط موفق شد اکثر قریب به تمام مناطقی را که
در شمال شرقی و شان دون و شمال شنسی از دست
داده بود ، بازستاند ، بلکه اسکان یافت جبهه
جنگ را به مناطق گومیندان یعنی بشمال
رودخانه یان تسه و رودخانه وی بسط دهد .
بعلاوه ارتش ما در جریان حمله و تصرف
شهرهای شی جیا جوان ، یون چن ، سی پین ،
لوه یان ، ای چوان ، بائو جی ، وی سیان ، لین
فن و کای فون و شهرهای دیگر تاکتیک هجوم
به استحکامات را فرا گرفت (۳) . ارتش آزادیبخش
توده‌ای در این موقع واحدهای توپخانه و

مهندسی خود را تشکیل داد . ولی فراموش نشود که ارتش آزادیبخش توده‌ای نه هواپیمائی در اختیار داشت و نه تانکی ، مع هذا پس از تشکیل واحدهای توپخانه و مهندسی خود که بر واحدهای توپخانه و مهندسی گومیندان برتری داشتند ، سیستم دفاعی گومیندان با تمام هواپیماها و تانکهایش ارزش خود را از دست داد . ارتش آزادیبخش توده‌ای علاوه بر جنگهای متحرك ، اکنون قادر است به جنگهای موضعی نیز پردازد . در نیمه اول سومین سال جنگ (از ژوئیه تا دسامبر سال ۱۹۴۸) تغییر ریشه‌ای دیگری بوقوع پیوست . ارتش آزادیبخش توده‌ای که مدت‌ها از نظر کمی ضعیف بود ، در این زمینه نیز تفوق پیدا نمود . ارتش مذکور نه فقط موفق به تصرف شهرهای مستحکم گومیندان گردید ، بلکه توانست

واحدهای بزرگ صد هزار نفری و حتی چند صد هزار نفری نیروهای نظامی زبده گومیندان را یکجا محاصره و نابود سازد . جریان قلع و قمع نیروهای نظامی گومیندان بوسیله ارتش آزادبخش توده‌ای بمراتب سریعتر انجام میگرفت. نظری به آمار واحدهای منظم گومیندان — از گردان بیلا — که بوسیله ما از پا درآمده‌اند (منجمله نیروهای نظامی دشمن که قیام کرده و بما ملحق گشته‌اند) نشان میدهد که در سال اول از ۹۷ تیپ ۶ تیپ و در سال دوم از ۹۴ تیپ ۵ تیپ و نیمه اول سال سوم طبق آمار تقریبی از ۱۴۷ لشکر ۱۱۱ لشکر بطور کامل منهدم گردیده‌اند (۴) . در ظرف این شش ماه ۱۵ لشکر دشمن بیش از مجموعه تلفات دو سال اخیرش نابود شده‌اند . جبهه دشمن از نظر استراتژیک دیگر کاملاً در هم شکسته شده است.

نیروهای نظامی دشمن در شمال شرقی بکلی نابود گردیده‌اند و در شمال چین نیز بزودی کاملاً در هم کوبیده خواهند شد و فقط تعداد کمی از آنها در مشرق و در دشتهای مرکزی چین هنوز باقی مانده‌اند . نابودی نیروهای عمده ارتش گومیندان در شمال رودخانه یان تسه ، عبور آتی ارتش آزادیبخش توده‌ای را از آن رودخانه و پیشروی آنها بطرف جنوب برای آزادی سراسر چین خیلی آسانتر کرده‌است . در عین حال خلق چین همانطور که در جبهه نظامی پیروز گردیده ، در جبهه‌های سیاسی و اقتصادی نیز موفقیت‌های شایان توجهی کسب نموده‌است . باین دلیل افکار عمومی سراسر جهان و منجمله کلیه مطبوعات امپریالیستی دیگر هیچ شك و تردیدی در پیروزی سرتاسری جنگ آزادیبخش خلق چین ندارند .

دشمن خود بخود از بین نمی‌رود . نه
مرتجعین چینی و نه نیروهای متجاوز امپریالیسم
آمریکا در چین هیچکدام بدلتخواه خود از صحنه
تاریخ خارج نخواهند شد . آنها درست باین
علت که پی برده‌اند از طریق مبارزه صرفاً
نظامی قادر به جلوگیری از پیروزی سرتاسری
جنگ آزادیبخش خلق چین نیستند ، روز بروز
وزنه عمده مبارزه خود را بیشتر بر مبارزه
سیاسی مینهند . مرتجعین چینی و متجاوزین
آمریکائی از یکسو دولت فعلی گومیندان را برای
اجرای توطئه‌های ”صلح“ خود مورد استفاده
قرار میدهند و از سوی دیگر سعی میکنند از
بعضی‌ها که هم با آنها و هم با اردوگاه انقلاب
مربوطند ، سوء استفاده نمایند ، این اشخاص
را به فعالیت‌های حيله گرانه تحريك و تهییج
کنند تا بتوانند بداخل صفوف اردوگاه انقلاب

رخنه کرده و در آنجا يك باصطلاح فراکسیون
مخالف تشکیل دهند ؛ منظور از این عمل
حفظ نیروهای ارتجاع و نابودی نیروهای انقلاب
است . طبق اخبار موثق دولت آمریکا تصمیم
به انجام چنین توطئه‌ای گرفته و هم اکنون
در چین مشغول اجرای آنست . دولت آمریکا
سیاست پشتیبانی محض از جنگ ضد انقلابی
گومیندان را با دو شکل جدید مبارزاتی عوض
کرده است که عبارتند از : ۱ - تشکیل
بقایای نیروهای نظامی گومیندان و باصطلاح
نیروهای محلی برای ادامه مقاومت در برابر
ارتش آزادیبخش توده‌ای در جنوب رودخانه
یان تسه و در استانهای مرزی دور افتاده ؛
۲ - تشکیل يك فراکسیون مخالف در داخل
اردوگاه انقلاب بخاطر متوقف ساختن انقلاب در
چارچوب کنونی با تمام وسایل ممکن و یا در

صورت پیشرفت انقلاب ، تعدیل آن و جلوگیری از تجاوز بیش از حد بمنافع امپریالیست‌ها و سگ‌های زنجیری آنان . امپریالیست‌های انگلیس و فرانسه هم از این سیاست آمریکا پشتیبانی میکنند . عده زیادی هنوز بروشنی این وضع را درك نمیکنند ، اما طولی نخواهد کشید که آنها هم متوجه شوند .

مسئله اینکه اکنون در برابر خلق چین ، کلیه احزاب دموکراتیک و تمام سازمان‌های توده‌ای قرار گرفته ، اینست که آیا باید انقلاب را بسرانجام رسانید ، یا اینکه باید در نیمه راه از آن دست کشید ؟ اگر بایستی انقلاب باخر رسانده شود ، آنوقت باید با استفاده از طرق گوناگون انقلابی کلیه نیروهای ارتجاع را با قطعیت ، از پیخ و بن و تام و تمام نابود سازیم و با پیگیری و استواری تمام در

واژگونی امپریالیسم ، فئودالیسم و سرمایه‌داری
بوروکراتیک پافشاری کنیم ، سلطه ارتجاعی
گومیندان را در سراسر کشور بر افکنیم و
جمهوری دیکتاتوری دموکراتیک خلق را تحت
رهبری پرولتاریا و با اتحاد کارگران و دهقانان
بمثابه رکن عمده آن بنا نهیم ، فقط از این طریق
است که ملت چین میتواند بازادی کامل دست
یابد ، کشور از يك نیمه مستعمره به کشوری کاملاً
مستقل بدل گردد ، خلق چین آزادی واقعی
یابد و ظلم فئودالی و ستم سرمایه بوروکراتیک
(سرمایه انحصاری چینی) را برای همیشه
ریشه کن کند و بدین ترتیب به صلحی
بر اساس وحدت و دموکراسی دست یابد و
شرایط لازم را بوجود آورد تا چین از يك کشور
فلاحتی به کشوری صنعتی تبدیل شود و بدینسان
اسکان گذار جامعه مبتنی بر بهره‌کشی انسان

از انسان به جامعه سوسیالیستی فراهم گردد .
ولی قطع انقلاب در نیمه راه بمعنای سرپیچی از
اراده مردم و تسلیم شدن در برابر خواست
تجاوزکاران خارجی و مرتجعین چینی و فرصت
دادن به گومیندان برای التیام زخمهایش
خواهد بود تا بتواند روزی با هجوم ناگهانی
خود انقلاب را خفه کند و سرتاسر کشور را
مجدداً بمحاق تاریکی و خفقان افکند . پس
اکنون مسئله کاملاً روشن و جدی بدینصورت
 مطرح میگردد : کدامیک از ایندو راه را باید
 برگزید ؟ هر حزب دموکراتیک و هر سازمان
توده‌ای چین باید در این مسئله تعمق کند ،
راه خود را انتخاب کند و موضع خود را روشن
نماید . همکاری صادقانه احزاب دموکراتیک
و سازمانهای توده‌ای چین بدون اینکه در نیمه
راه از هم جدا شوند ، بستگی دارد بنظر موافق

آنان در این مسئله و آمادگی آنها برای وحدت عمل جهت در هم کوبیدن دشمن مشترك خلق چین . در اینجا نیاز به وحدت و همکاری است ، نه ایجاد يك ”فراکسیون مخالف“ و یا برگزیدن يك ”راه میانه“ .

آیا در طول مدتی بیش از بیست سال یعنی از کودتای ضد انقلابی ۱۲ آوریل سال ۱۹۲۷ (۵) تا کنون هنوز باندازه کافی ثابت نشده است که مرتجعین چینی بسرکردگی چانگایشک جلادانی هستند که دستشان تماماً بخون انسانها آغشته و در آدمکشی از هیچ عملی ابا ندارند ؟ آیا باندازه کافی اثبات نشده است که آنها سگهای زنجیری امپریالیسم و میهن فروشان حرفه ای هستند ؟ خودتان قضاوت کنید ، خلق چین چه پس از حادثه سی ان در دسامبر سال ۱۹۳۶ (۶) و چه پس از مذاکرات

چون کین در اکتبر سال ۱۹۴۵ (۷) و چه
پس از کنفرانس مشورتی سیاسی در ژانویه
سال ۱۹۴۶ (۸) ، بامید استقرار صلح داخلی
با این راهزنان ، چقدر بزرگواری در حق آنها
بخرج داده است . ولی آیا این همه خوش نیتی
و صداقت حتی باندازه سرمویی در خصلت
طبقاتی آنها تغییری داده است ؟ اصولاً تاریخ
زندگی هیچیک از این راهزنان از امپریالیسم
آمریکا جدا شدنی نیست . آنها با اتکاء بامپریالیسم
آمریکا ۷۵ میلیون از هموطنان ما را به جنگ
داخلی مصیبت آور و سخت بیسابقه‌ای کشانده‌اند
و میلیون‌ها مرد و زن ، پیر و جوان را با بمب
افکن‌ها و هواپیماهای جنگنده ، توپ و تانک ،
بازوکا و تفنگهای خود کار ، بمبهای آتش‌زا
و گازهای سمی و سایر سلاحهای کشنده
ساخت آمریکا بقتل رسانده‌اند . امپریالیسم آمریکا

با اتکاء باین جانیان ، برای خود حقوق ویژه‌ای
نسبت بخاک چین ، آبهای ساحلی و فضای
کشور ما غصب کرده و کشتیرانی داخلی را با
زور تحت کنترل خود در آورده ، امتیازات
فوق‌العاده‌ای در مورد امور تجارتي و در سیاست
داخلی و خارجی چین تحصیل نموده و حتی حق
یافته‌است در صورت ضرب و شتم مردم تاحد
مرگ و قتل در نتیجه تصادف با اتومبیل و
تجاوز بناموس زنان مصونیت قضائی داشته
باشد . آیا در چنین وضعی میتوان از خلق چین
که مجبور بجنگی طولانی و خونین گردیده ،
انتظار داشت که باز هم نسبت باین دشمنان
شریر و منفور از خود محبت و دوستی نشان دهد
و آنها را کاملاً منهدم و نابود نسازد و یا از
کشور بیرون نراند ؟ خلق چین فقط در صورتی
میتواند باستقلال ، دموکراسی و صلح دست

یابد که مرتجعین چینی را کاملاً نابود کرده
و نیروی متجاوز امپریالیسم آمریکا را از کشور
بیرون رانده باشد. آیا این حقیقت هنوز بقدر
کافی روشن و واضح نیست؟

جالب توجه اینجاست که اکنون دشمنان
خلق چین ناگهان بتکاپو افتاده‌اند تا خود
را بی‌آزار و حتی قابل‌ترحم جلوه دهند
(خوانندگان باید توجه کنند که آنها در آینده
همچنین وانمود خواهند کرد). سون فو که
تازگی بریاست هیئت اجرائیه دولت گوسیندان
منصوب شده، مگر در ژوئن سال گذشته اظهار
نداشت: "اگر ما با نیروی نظامی خود تا آخر
بجنگیم، بالاخره راه حلی پیدا خواهد شد؟"
ولی همین شخص اکنون بمحض اینکه روی
کار آمد، دم از یک "صلح شرافتمندانه" زد و
اظهار کرد: "دولت تمام هم و کوشش خود

را در راه صلح بکار بسته است و فقط باین علت که صلح هنوز نتوانسته برقرار شود ، اجباراً می‌جنگد ، ولی هدف نهائی از جنگ استقرار مجدد صلح است . بلافاصله خبرگزاری « یونایتد پرس » در تاریخ بیست و یکم دسامبر از شانگهای پیش‌بینی کرد که اعلامیه سون فو "در محافل رسمی ایالات متحده آمریکا و در بین لیبرالهای گومیندان مورد استقبال پردامنه قرار خواهد گرفت" . در حال حاضر مقامات رسمی آمریکا نه فقط راغب "صلح" در چین می‌باشند ، بلکه بارها ادعا کرده‌اند که ایالات متحده آمریکا پس از کنفرانس وزیران امور خارجه اتحاد شوروی ، آمریکا و بریتانیا در دسامبر سال ۱۹۴۵ در مسکو "از سیاست عدم مداخله در امور داخلی چین" پیروی میکند . حال تکلیف ما با این آقایان "سرزمین

جنتلمن ها “ چیست ؟ در اینجا این افسانه باستانی یونان کاملاً مصداق می یابد : ” روستازاده ای در یکی از روزهای زمستان ، ماری را که از فرط سرما یخ زده بود ، پیدا کرد و از روی ترحم و دلسوزی روی سینه خود جای داد . مار در اثر گرما ، دوباره جان گرفت و بنابر طبیعت ذاتی اش نیش کشنده ای در سینه ناجی خود فرو کرد . دهقان در حال احتضار زیر لب چنین گفت : ترحم کردن بیک موجود شریر ، پاداشی به از این ندارد . “ (۹) مارهای سمی خارجی و چینی برای خلق چین مرگی چون مرگ آن دهقان را آرزو میکنند و امیدوارند که حزب کمونیست چین و تمام دموکراتهای انقلابی مانند آن دهقان در مقابل آنان بر سر رحم و شفقت آیند ؛ ولی خلق چین ، حزب کمونیست چین و تمام دموکراتهای انقلابی واقعی چین آخرین سخنان آن

زحمتکش را شنیده و در خاطر نگاه خواهند داشت.
علاوه بر این ، مارهایی که در قسمت اعظم
خاک چین چمباتمه زده‌اند - چه بزرگ و چه
کوچک ، چه سیاه و چه سفید و چه دندان
زهرآلود خود را نشان دهند و چه بصورت
دخترکان زیبارو در آیند - باوجود آنکه سرمای
زمستان را حس کرده‌اند ، هنوز از شدت سرما
خشک نشده‌اند .

خلق چین نسبت باین بی‌سیرتان مار صفت
هرگز ترحمی بدل راه نخواهد داد و عمیقاً
معتقد است که کسانی که مزورانه ادعا میکنند
باید نسبت باین اراذل دلسوزی و شفقت نشان
داد و گرنه خلاف سنن چین و بزرگواری عمل
شده است ، نمیتوانند دوست صدیق خلق چین
باشند . بکدام مجوزی باید باین مار صفتان
رذل ترحم و ارفاق کرد ؟ کدام کارگر ، کدام

دهقان و کدام سربازی است که برای این اراذل
درخواست رحم و شفقت بکند ؟ بی شک بعضی
”لیبرالهای گومیندان“ و یا ”لیبرالهای“ خارج
از گومیندان هستند که به خلق چین پند و
اندرز میدهند که پیشنهاد ”صلح“ آمریکا و
گومیندان را بپذیرد ، عبارت دیگر باید از
بقایای امپریالیسم ، فئودالیسم و سرمایه داری
بوروکراتیک همچون اشیاء مقدس نگاهداری
شود و مراقب بود تا مبادا این گنجینه نایاب
از صحنه گیتی ناپدید گردد . ولی اینان قطعاً نه
کارگران و دهقانان و سربازان اند و نه دوستان
کارگران و دهقانان و سربازان .

ما معتقدیم که اردوگاه انقلابی خلق چین
باید همچنان توسعه یابد و تمام آنکسانی را که
مایل بشرکت در امر انقلاب کنونی هستند ،
دربرگیرد . امر انقلاب خلق چین نیازمند يك ارتش

اصلی است ولی به متحدینی نیز احتیاج دارد ،
زیرا يك ارتش بدون متحد قادر به در هم
شکستن دشمن نخواهد بود . خلق چین که
اکنون در قله انقلاب ایستاده ، نیازمند دوست
است و باید همیشه یاد دوستان خود را در
خاطر زنده نگاهدارد و هرگز خاطره آنانرا
فراموش نکند . شکی نیست که در چین دوستان
زیادی هستند که بامر انقلاب خلق وفادارند
و با کوشش تمام از منافع خلق دفاع میکنند
و از دفاع از منافع دشمن سرباز میزنند .
بی شک فراموش کردن حتی یکی از این
دوستان و یا بی اعتنائی نسبت به یکی از آنان
هرگز روا نیست . ما همچنین برآنیم که اردوگاه
انقلابی خلق چین باید مستحکم گردد و
بهمیچوجه نباید به عناصر خرابکار راه داده شود که
بتوانند بداخل این اردوگاه نفوذ کنند و یا

تظرات نادرست موضع مسلط یابند . خلق چین در این مرحله از اوج انقلاب نه فقط باید خاطره دوستان خود را در سینه محفوظ دارد ، بلکه باید دشمنان خود و دوستان آنانرا نیز هیچگاه از یاد دور ندارد . همانطور که در بالا گفتیم ، از آنجا که دشمن مکارانه متد ”صلح“ و متد رخنه کردن به صفوف انقلابیون را بکار میبرد و سعی در حفظ و تحکیم موقعیت خویش دارد و از آنجا که منافع اساسی خلق ایجاب میکند کلیه مرتجعین را کاملاً نابود کنیم و نیروهای تجاوزکار امپریالیسم آمریکا را از چین بیرون رانیم ، لذا آنانکه بخلق پند و اندرز میدهند بدشمن رحم و شفقت کند و از نیروی ارتجاع حفاظت نماید ، دوستان خلق نیستند ، بلکه دوستان دشمن میباشند .

امواج توفنده انقلاب چین کلیه قشرهای

اجتماعی را مجبور بموضع گیری میکند . تناسب نیروهای طبقاتی در چین مجدداً تغییر می یابد . هم اکنون توده های عظیم مردم قید و بند تأثیر و کنترل گومیندان را می گسلند و باردوگاه انقلاب می پیوندند ؛ ولی در مقابل ، مرتجعین چینی که در بن بست سختی دست و پا میزنند ، هم اکنون دیگر تنها و منفرد گشته اند . هرچه جنگ آزادیبخش توده های به پیروزی نهائی نزدیکتر میشود ، همه خلق انقلابی و دوستان خلق پیوند اتحاد خود را محکمتر می سازند و تحت رهبری حزب کمونیست چین نابودی نهائی نیروهای ارتجاعی و گسترش کامل نیروهای انقلاب را قاطعانه طلب میکنند تا در سراسر کشور يك جمهورى دموکراتیک خلق بنا شود و صلح بر اساس اتحاد و دموکراسی بدست آید . بالعکس امپریالیستهای آمریکا و

مرتجعین چینی و دوستان آنان باوجود اینکه قادر باتحاد استوار با یکدیگر نیستند ، باوجود اینکه درگیر مبارزه‌ای بی‌پایان علیه یکدیگرند و متقابلاً یکدیگر را بباد ناسزا و دشنام میگیرند ، بهم تهمت و افترا میزنند و بیکدیگر خیانت میکنند ، معذلك همه آنها در يك نکته متفق‌القولند : آنها با توسل بهر وسیله‌ای در راه نابودی نیروهای انقلاب و حفظ نیروهای ارتجاع خواهند کوشید . آنها از هر وسیله آشکار و پنهان ، مستقیم و غیرمستقیم استفاده خواهند کرد . ولی ما با اطمینان تمام میتوانیم بگوئیم که دسایس سیاسی آنها با همان شکستی که حملات نظامی شان دچار شد ، روبرو خواهد گشت . خلق چین و ستاد کل فرماندهی آن ، حزب کمونیست چین که تجربیات کافی در اختیار دارند ، مسلماً دسایس سیاسی دشمن را خنثی

خواهند کرد - کما اینکه حملات نظامی دشمن
را درهم کوبیدند - و جنگ کبیر آزادیبخش
توده‌ای را بسرانجام خواهند رساند .

در سال ۱۹۴۹ ارتش آزادیبخش توده‌ای
چین به جنوب رودخانه یان تسه پیشروی خواهد
کرد و از سال ۱۹۴۸ پیروزیهای باز هم
عظیمتری بدست خواهد آورد .

در سال ۱۹۴۹ موفقیت‌های ما در جبهه
اقتصادی باز هم بیشتر از سال ۱۹۴۸ خواهند شد .
میزان تولیدات کشاورزی و صنعتی ما از میزان
کنونی بالاتر خواهد رفت ، و کلیه خطوط راه
آهن و جاده‌های شوسه ترمیم خواهند شد .
واحدهای عمده ارتش آزادیبخش توده‌ای در
عملیات جنگی خود بعضی از بقایای روحیه
پارتیزانی را بر طرف خواهند ساخت و به سطح
عالیتر ارتش منظم خواهند رسید .

در سال ۱۹۴۹ کنفرانس مشورتی سیاسی بدون شرکت مرتجعین و بخاطر انجام وظایف انقلاب توده‌ای تشکیل خواهد شد و جمهوری توده‌ای چین اعلام و دولت مرکزی جمهوری تأسیس خواهد گردید . این دولت ائتلافی دموکراتیک تحت رهبری حزب کمونیست چین خواهد بود و افراد صالح که نمایندگان احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده‌ای میباشند ، در آن شرکت خواهند داشت .

اینها وظایف عمده و مشخصی هستند که خلق چین و حزب کمونیست چین و تمام احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده‌ای چین در سال ۱۹۴۹ برای انجام آنها باید از هیچ سعی و کوششی فروگذار نکنند . ما از هیچ مشکلی نمیهراسیم و همه دوشادوش یکدیگر چون پیکری واحد در انجام این وظایف خواهیم کوشید .

ما در مبارزه خود ظلم چند هزار ساله فئودالی
و ستم صد ساله امپریالیسم را برای همیشه از
میان بر خواهیم داشت . سال ۱۹۴۹ سال
پراهمیتی خواهد بود و ما بایستی سعی و کوشش
خود را چندین برابر کنیم .

یادداشتها

۱ - پس از تسلیم ژاپن در سال ۱۹۴۵ ، دولت گومیندان سه استان شمال شرقی (یعنی لیائونین ، جی لین و حی لون جیان) را به نه استان تقسیم کرد که عبارت بودند از لیائونین ، لیائو بی ، آن دون ، جی لین ، حه جیان ، سون جیان ، حی لون جیان ، نن جیان و سین آن . در سال ۱۹۴۹ کمیسیون اداری شمال شرقی ما این مناطق را به ۵ استان تقسیم کرد که عبارت بودند از لیائو دون ، لیائو سی ، جی لین ، حی لون جیان و سون جیان و از آن پس این ۵ استان بانضمام استان ژه هه بنام ۶ استان شمال شرقی معروف شدند . در سال ۱۹۵۴ شورای دولت مرکزی توده‌ای از دو استان لیائو دون و لیائو سی ، استان لیائو نین و از دو استان سون جیان و حی لون جیان ، استان حی لون جیان را تشکیل داد ؛ استان جی لین همچنان باقی ماند . در سال ۱۹۵۵ استان ژه هه منحل شد

و به استانیهای حه به ، لیائو نین و منطقه خودمختار
مغلستان داخلی ملحق گردید .

۲ - استان سوی یوان در ۶ مارس سال ۱۹۵۴
ملغی شد . استان چاهار در سال ۱۹۵۲ ملغی گردید .
سرزمین این دو استان به استانیهای حه به ، شان سی
و منطقه خودمختار مغلستان داخلی ملحق شد .

۳ - این مواضع کلیدی در تاریخ ذیل تحت
اشغال در آمدند : شی جیا جوان در تاریخ ۱۲ نوامبر
۱۹۴۷ ، یون چن در تاریخ ۲۸ دسامبر ۱۹۴۷ ،
سی پین در تاریخ ۱۳ مارس ۱۹۴۸ ، لوه یان ابتدا
در تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۴۸ و سپس مجدداً در تاریخ
۵ آوریل ۱۹۴۸ ، ای چوان در تاریخ ۳ مارس
۱۹۴۸ ، بائو جی در تاریخ ۲۶ آوریل ۱۹۴۸ ،
وی سیان در تاریخ ۲۷ آوریل ۱۹۴۸ ، لین فن
در تاریخ ۱۷ مه ۱۹۴۸ و کای فون در تاریخ ۲۲
ژوئن ۱۹۴۸ ؛ کلیه این شهرها بوسیله قلاع متعدد
و بعضی از آنها بوسیله دیوارهای مستحکم محافظت
میشدند ؛ بعلاوه این شهرها دارای استحکامات دفاعی
کمکی مانند شبکه‌های سنگربندی و سیمهای خاردار
و موانع چوبی نیز بودند . ارتش ما در آنزمان نه

هواپیمائی داشت و نه تانکی ، توپخانه هم اصلاً نداشت
یا خیلی کم داشت . از اینرو ارتش ما در حمله
و تصرف این شهرها برای اشغال این استحکامات يك
سلسله تاکتیكهایی فرا گرفت که مهمترین آنها عبارت
بودند از :

(۱) عملیات تخریبی متوالی - استفاده
از مواد منفجره برای تخریب متوالی استحکامات
دفاعی دشمن ؛

(۲) نقب زنی - تونل‌های مخفی تا زیر
قلاع و یا دیوارهای شهر دشمن که سپس از
آنها بوسیله مواد منفجره منهدم میشدند و در
تعقیب آن عملیات شدید شبیخونی انجام گرفت ؛
(۳) سنگرهای طولیل - حفر سنگرهای
مخفی تا نزدیکی مواضع مستحکم دشمن و سپس
شبیخون زدن ؛

(۴) پرتاب مواد منفجره - پرتاب مواد
منفجره بوسیله راکت یا خمپاره انداز برای انهدام
استحکامات دفاعی دشمن ؛

(۵) تاکتیک ”چاقوی نوک تیز“ - تمرکز
قوای نظامی و نیروی آتش در يك نقطه برای

نفوذ در خطوط دشمن و متفرق ساختن نیروهای دشمن .

۴ - منظور آن تیپها و لشگرهای گومیندان است که دیگر بطور کامل نابود شده‌اند . مقصود از تیپ در اینجا تیپهائی که پس از تجدید سازمان ارتش گومیندان تشکیل شدند ، حال آنکه منظور از لشگر در اینجا لشگرهای قبل از تجدید سازمان ارتش گومیندان میباشد که در واقع برابر با تیپهای همین زمان است .

۵ - منظور کودتای ضد انقلابی چانکایشک در شانگهای در ۱۲ آوریل ۱۹۲۷ است . چانکایشک در این کودتا عده کثیری از کمونیستها ، کارگران ، دهقانان و روشنفکران انقلابی را بقتل رساند .

۶ - ارتش شمال شرقی گومیندان بفرماندهی جان سیوه لیان و ارتش هفدهم گومیندان بفرماندهی یان هو چن تحت تأثیر ارتش سرخ چین و جنبش ضد ژاپنی خلق ، با جبهه متحد ملی ضد ژاپنی که از طرف حزب کمونیست چین پیشنهاد شده بود ، موافقت کردند و از چانکایشک خواستار شدند که برای مقاومت در برابر ژاپن با حزب کمونیست متحد شود . چانکایشک نه تنها این تقاضا را رد کرد بلکه حتی با گستاخی

بیشتری مجدانه دست به کار تهیه تدارکات نظامی جهت "سرکوب کمونیستها" گردید و در سی ان به کشتار جوانان ضد ژاپنی دست زد . جان سیوه لیان ویان هو چن باتفاق چانکایشك را بازداشت کردند . این همان حادثه معروف سی ان است که در ۱۲ دسامبر ۱۹۳۶ روی داد . چانکایشك متعاقب این حادثه مجبور شد این شروط را بپذیرد : اتحاد با حزب کمونیست و مقاومت در برابر ژاپن . از اینجهت وی سپس آزاد شد و به نانکن بازگشت .

۷ - پس از جنگ مقاومت ضد ژاپنی ، چانکایشك با اشاره امپریالیسم آمریکا بمنظور اینکه بتواند وقت کافی برای تدارك جنگ داخلی ضد انقلابی بدست بیاورد ، طی سه تلگراف رفیق مائو تسه دون را برای مذاکره به چون کین دعوت نمود . سفیر آمریکا در چین پاتریك هرلی بدین خاطر به ین ان آمد . حزب کمونیست چین برای اینکه تمام کوششهای ممکن در راه نیل به صلح بکار رود و در عین مبارزه بخاطر صلح توطئه آمریکا و دارودسته مرتجع چانکایشك افشاگردد و بدین ترتیب به اتحاد و آموزش و پرورش توده‌های وسیع مردم كمك شود ، تصمیم گرفت که

رفقای مائو تسه دون ، جوئن لای ووان ژوه فی را برای مذاکره با گومیندان اعزام دارد . رفیق مائو تسه دون ورفقای دیگر روز ۲۸ ماه اوت وارد چون کین شدند و مدت ۴۳ روز با گومیندان بمذاکره پرداختند . با وجود اینکه پس از خاتمه این مذاکرات فقط « مختصری در باره مذاکرات نمایندگان گومیندان و حزب کمونیست » منتشر گردید ، ولی حزب کمونیست چین موفق شد از نظر سیاسی ابتکار عمل را بدست آورد ، حال آنکه گومیندان به پاسیویته افتاد .

۸ - کنفرانس مشورتی سیاسی مرکب از نمایندگان گومیندان ، حزب کمونیست و سایر احزاب سیاسی و شخصیت‌های بی حزبی از تاریخ ۱۰ تا ۳۱ ژانویه ۱۹۴۶ در چون کین منعقد گردید . در کنفرانس مذکور پنج قطعنامه بتصویب رسید :

(۱) موافقت‌نامه درباره تشکیل دولت .
این موافقت‌نامه تصدیق میکرد که «در قانون ارگانیک دولت ملی بمنظور تقویت شورای دولت ملی تجدید نظر خواهد شد» . موافقت نامه تعداد اعضای شورای دولت ملی را افزایش داد و مقرر میداشت که «اعضای شورای

دولت ملی از طرف صدر دولت ملی از افراد
منتسب یا غیر منتسب به گومیندان انتصاب
خواهند شد؛ "انتصاب اعضای احزاب
مختلف بعنوان اعضای شورای دولت ملی که
بوسیله صدر دولت ملی صورت خواهد گرفت ،
بنابر پیشنهاد احزاب مذکور خواهد بود و هرگاه
صدر دولت ملی با این پیشنهاد موافق نباشد ،
احزاب مذکور پیشنهادهای جدید خواهند داد؛
"هرگاه صدر دولت ملی شخصیت بی حزبی
را بعنوان نامزد شورای دولت ملی پیشنهاد کند
و يك سوم اعضای شورا با این پیشنهاد مخالف
باشند ، صدر باید در این امر تجدید نظر
کند و پیشنهاد تازه بدهد" . "نصف اعضای
شورای دولت ملی از اعضای گومیندان خواهند
بود و نصف دیگر از اعضای سایر احزاب
سیاسی و شخصیت‌های سرشناس کشور" .
شورای دولت ملی اسماً بعنوان "ارگان عالی
دولتی در عهده‌داری امور کشور" تعریف
شده بود که اختیار بحث و تصمیم درباره اصول
قانون گذاری ، رهنمودهای سیاسی ، اقدامات

مهم سیاسی و نظامی ، نقشه‌های مالی و بودجه و همچنین درباره اموری که بررسی آنها را صدر دولت ملی بآن محول میساخت ، داشت ؛ معذلك صدر دولت ملی در عین حال دارای اختیارات معتنا به و از آن جمله حق انتصاب ، حق وتوی نسبی در مورد تصمیمات ، و اختیارات فوق‌العاده بود . موافقت نامه مذکور همچنین مقرر میداشت که ”هفت یا هشت عضو ”یوان“ مجریه باید از اشخاص خارج از گومیندان انتصاب شوند . اینان پستهای وزارت‌های موجود و یا پستهای وزارتخانه مشاور را که بوجود خواهد آمد ، اشغال خواهند کرد“ .

(۲) برنامه ساختمان کشور در صلح و صفا . این برنامه شامل نه فصل زیر میشود : ” کلیات “ ، ” حقوق خلق “ ، ” امور سیاسی “ ، ” امور نظامی “ ، ” امور خارجی “ ، ” امور اقتصادی و مالی “ ، ” تعلیم و تربیت و فرهنگ “ ، ” معاضدت و تجدید ساختمان “ و ” امور مهاجرین چینی “ . فصل ” کلیات “ مقرر میداشت که کلیه احزاب

سیاسی کشور "باید برای ساختمان چین نوین ،
واحد ، آزاد و دموکراتیک بطور فشرده متحد
گردند" ؛ باید طبق اصل "دموکراتیزه کردن
زندگی سیاسی ، ملی کردن ارتشها ، تساوی
احزاب سیاسی و قانونی بودن آنها" عمل کنند ؛
"اختلافات سیاسی باید با وسایل سیاسی حل و فصل
شوند تا آنکه تکامل صلح آمیز کشور تأمین
گردد" . فصل "حقوق خلق" مقرر میداشت
که آزادی های فرد ، فکر ، عقاید مذهبی ،
بیان ، مطبوعات ، اجتماعات ، اتحادیه ها ،
مسکن ، نقل و انتقال و مکاتبات برای خلق
تضمین خواهد شد ، " اکیداً قدهن میشود
که ارگان و یا کسی که نماینده قوه قضایه و یا
پلیس نیست به بازداشت ، بازپرسی و مجازات
مردم بپردازد ، هرکس این ماده را نقض کند ،
کیفر خواهد دید" . فصل "امور سیاسی" مقرر
میداشت که "دستگاه های اداری در کلیه
مدارج مورد تجدید سازمان قرار خواهند گرفت ،
اختیارات و مسئولیتهای آنها یکی و مشخص
خواهد گردید ، کلیه ارگانهای مضاعف حذف

خواهد شد ، مقررات اداری ساده خواهد گردید
وهریک از مدارج اداری دارای مسئولیتهای
مشخص خواهد بود“ ؛ ”کار برای کارمندان
شایسته تضمین خواهد شد ، انتصاب به مشاغل
دولتی براساس صلاحیت و سابقه صورت خواهد
گرفت نه براساس تعلق بیک حزب ، چند شغلی
و پارتی بازی قدغن خواهد بود“ ؛ ”سیستم
بازرسی اکیداً مراعات خواهد شد ، اختلاس
و ارتشاء مورد کیفر شدید قرار خواهد گرفت ،
تسهیلاتی برای خلق فراهم خواهد آمد که
بتواند مأمورین فاسد را در کمال آزادی
افشا کند“ ؛ ”مجددانه به اجرای خود مختاری
محلّی پرداخته خواهد شد و انتخابات عمومی
از پائین تا بالا انجام خواهد یافت“ ؛
”اختیارات دولت مرکزی و ارگانهای محلّی
برحسب تقسیم منصفانه اختیارات تعیین خواهد
گشت ، ارگانهای محلّی میتوانند تصمیمات
مناسب را بر حسب شرایط محلّی اتخاذ کنند
ولی مصوبات و مقررات استان یا شهرستان
نباید با قوانین و فرمانهای دولت مرکزی مغایرت

داشته باشند". فصل "امور نظامی" مقرر
میداشت که "ترکیبات نظامی باید پاسخگوی
نیازمندی‌های دفاع ملی باشند، سیستم نظامی
برحسب رژیم دموکراتیک و شرایط خاص کشور
اصلاح خواهد شد، ارتش مستقل از احزاب
سیاسی خواهد بود و مقامات نظامی از مقامات
کشوری تفکیک خواهد شد، آموزش نظامی
اصلاح خواهد گردید، تسلیحات تقویت خواهد
شد، سیستم پرسنل و سیستم اداره امور مالی
بهبود خواهد یافت، بطوری که ارتش ملی مدرن
بنا یابد"؛ "سپاهیان سراسر کشور طبق
نقشه تجدید سازمان نظامی بطور مؤثر تقلیل
خواهند یافت". فصل "امور اقتصادی و مالی"
مقرر میداشت که "از بسط سرمایه بوروکراتیک
جلوگیری خواهد شد، اکیداً قدغن خواهد شد
که مأمورین دولت از اختیارات و مقام خود
برای پرداختن به احتکار، به انحصار جوئی،
به تقلبات مالیات، به قاچاق، به باختلاس
وجوه عمومی و بهره برداری غیرقانونی از وسائل
حمل و نقل سوء استفاده کنند"؛ "بمنظور

بهبود زندگی دهقانان ، بهره مالکانه و ربح
 وام تقلیل خواهد یافت ، حق مزارعه‌گیری
 دهقانان محفوظ خواهد شد ، پرداخت بهره
 مالکانه تأمین خواهد شد ، اعتبارات کشاورزی
 افزایش خواهد یافت و رباخواری جداً قلع و
 خواهد شد ، يك قانون ارضی بمنظور عملی
 ساختن هدف زیرین بموقع اجرا در خواهد آمد ؛
 " زمین مال کسی است که آن را می‌کارد " ؛
 " يك قانون کار بموقع اجرا در خواهد آمد که
 شرایط کار را بهبود بخشد " ؛ "وضع مالی
 بااطلاع عموم رسانیده خواهد شد ؛ سیستم
 بودجه و حسابداری شدیداً مراعات خواهد شد ،
 هزینه‌های بودجه شدیداً تقلیل خواهد یافت ،
 توازن هزینه و درآمد حفظ خواهد شد ، صلاحیت
 مالی دولت مرکزی و ارگانهای محلی از یکدیگر
 تفکیک خواهد شد ، حجم پول در جریان
 کاهش خواهد یافت ، سیستم پولی تثبیت خواهد
 شد ، گرفتن و بکار بردن وام‌های داخلی
 و خارجی بااطلاع عموم خواهد رسید و تحت
 نظارت ارگانهایی که نماینده افکار عمومی

هستند ، قرار خواهد گرفت “ ؛ ” در سیستم مالیات اصلاحات بعمل خواهد آمد ، کلیه مالیات و عوارض کمرشکن گوناگون و تقاضای غیرقانونی پولی از ریشه از میان برده خواهد شد “ . فصل ” تعلیم و تربیت و فرهنگ “ مقرر میداشت که ” آزادی فعالیتهای آکادمیک تضمین خواهد شد و هیچ مداخله‌ای بعنوان معتقدات مذهبی و یا نظرات سیاسی در اداره آموزشگاهها مجاز نخواهد بود “ ؛ ” سهم بودجه دولت برای تعلیم و تربیت و فرهنگ افزایش خواهد یافت “ ، ” سانسور زمان جنگ که بر روی مطبوعات ، طبع و نشر ، سینما ، تئاتر ، پست و تلگراف برقرار است ، لغو خواهد شد “ .

(۳) موافقت نامه درباره مجلس ملی .
این موافقت نامه مقرر میداشت که در مجلس ملی تعداد نمایندگان ” ۷۰۰ نفر افزایش خواهد یافت که از میان اعضای احزاب مختلف و شخصیت‌های سرشناس تعیین خواهند شد “ ، ” وظایف و اختیارات نخستین مجلس ملی عبارت خواهد بود از تدوین قانون اساسی “ .

(۴) موافقت نامه درباره طرح قانون اساسی . این موافقت نامه مقرر میداشت که کمیته بازرسی ای برای طرح قانون اساسی تشکیل خواهد یافت که طرح پیشنهادی گومیندان را در مورد قانون اساسی مورد تجدید نظر قرار دهد ، و اصول تجدید نظر طرح قانون اساسی را تدوین کند . این موافقت نامه در کنار مقررات اصولی در مورد اختیارات مجلس ملی و ارگانهای دولتی ، بخصوص "سیستم اداری محلی" و "حقوق ووظایف خلق" را معین مینمود . در مورد "سیستم اداری محلی" چنین مقرر میداشت که "استان عالی ترین واحد خود مختاری محلی است" ؛ "اختیارات استانها و دولت مرکزی برحسب اصول منصفانه تعیین وتفکیک خواهد شد" ؛ "استاندار از طرف خلق انتخاب خواهد شد" ؛ "استان میتواند قانون اساسی استانی داشته باشد ولی نباید با مقررات قانون اساسی کشوری تضاد پیدا کند" . موافقت نامه در مورد "حقوق ووظایف خلق" چنین مقرر میداشت که "کلیه آزادی ها

و حقوقی که عموماً خلق يك کشور دموکراتیک از آن بهره‌مند میشود ، در برابر هر نقض غیرقانونی مورد حمایت قانون اساسی قرار خواهد گرفت“ ؛ ”کلیه مقررات قانون که به آزادی‌های خلق مربوط میشود ، باید از روحیه حمایت این آزادی‌ها سرچشمه گیرد نه از هدف محدود ساختن آنها“ ؛ ”تعیین کار اجباری از وظایف قانون ارگانهای خودمختاری محلی خواهد بود نه از وظایف قانون اساسی کشوری“ ؛ ”حق خودمختاری برای اقلیتهای ملی که بصورت انبوه در مناطق معین بسر می‌برند ، تضمین خواهد شد“ .

(۵) موافقت نامه درباره امور نظامی . این موافقت نامه مقرر میداشت که ”سیستم نظامی باید برحسب رژیم دموکراتیک و شرایط خاص کشور اصلاح شود“ ؛ ”سیستم سربازگیری باید بهبود یابد“ ؛ ”آموزش و تربیت در ارتش باید با اصولی که ارتش بر روی آنها بنا شده است ، مطابق گردد و برای همیشه از زیر سلطه احزاب سیاسی و ارتباطات

شخصی بیرون آید“ ؛ ”ارتش مستقل از احزاب
 سیاسی خواهد بود“ ؛ ”هیچ حزب سیاسی ، هیچ
 فرد اجازه نخواهد داشت ارتش را بمنزله افزار
 مبارزه سیاسی بکار برد“ ؛ ”مقامات نظامی از
 مقامات کشوری تفکیک خواهد شد“ و ”هیچ فرد
 نظامی شاغل که در ارتش خدمت دارد ، نمیتواند
 در عین حال کارمند کشوری باشد“ . موافقت
 نامه درباره تجدید سازمان ارتش گومیندان و ارتش
 مناطق آزاد شده چنین مقرر میداشت که ”گروه
 نظامی مرکب از سه عضو باید طبق نقشه اولیه
 با سرعت تمام اسلوب و طرقی تدوین کند که
 طبق آن ارتش حزب کمونیست چین تجدید
 سازمان یابد و این تجدید سازمان را بپایان
 رساند“ ؛ ارتش گومیندان ”باید طبق نقشه اولیه
 وزارت جنگ بسرعت در ظرف شش ماه تجدید
 سازمان خود را به ۹۰ لشکر پایان دهد“ ؛
 ”پس از آنکه دو ماده فوق درباره تجدید
 سازمان بموقع اجرا درآمد ، تمام سپاهیان کشور
 طبق نقشه واحدی در ۵۰ یا ۶۰ لشکر تجدید
 سازمان خواهند شد“ .

این موافقت نامه‌های کنفرانس سیاسی مشورتی بدرجاء
مختلف بسود خلق بود نه بسود سلطه ارتجاعی چانکایشك
چانکایشك در عین حال که میخواست مردم را با ظاهر
صلح خواهانه فریب دهد ، براین موافقت نامه‌ها صحه
میگذاشت ، مجدانه بتدارك برانگیختن جنگ داخلی
بمقیاس ملی مشغول بود . این موافقت نامه های کنفرانس
مشورتی سیاسی بزودی یکی پس از دیگری از طرف
چانکایشك نقض گردیدند .

۹ - ” نیکی را با بدی جواب دادن “ از « افسانه
ایسوب » .

毛 泽 东
将革命进行到底

*

外文出版社出版（北京）
1966年（36开）第一版
1969年（64开）第二版
编号：（波斯）1050—451
00011
1—Pc—452Pc